



آغاز دوران شهرنشینی و پیدایی و ظهور خط، بین النهرین به عصر تاریخی آمد و تکوین سفال بر اثر فرهنگ‌های جنوب غربی و ماورای آن وارد مراحل جدیدی شد

چاپ وزارت فرهنگ و هنر
سابق سال ۱۳۴۸.

- تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس باستان‌شناسی، نشر فضا، تهران ۱۳۷۰.
- معبد آناهیتای کنگاور (کاوش‌ها و بازسازی‌ها در معبد ناهید و تاق‌گرا)، سازمان میراث فرهنگی، سال ۱۳۷۴
- گور خمره‌های اشکانی در گرمی مغان، چاپ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷
- سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۷۹.
- آثار تاریخی ایران (مجموعه مقالات)، چاپ مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه) تهران ۱۳۸۰

ابتدا این سوال مطرح می‌شود که چرا در باستان‌شناسی «سفال» این

همه اهمیت دارد؟

○ نخستین چیزی که باستان‌شناس به آن توسل می‌جوید، سفال است، چون معرف تمدن‌های مدفون گذشته به شمار می‌رود. وقتی در بیابان تپه‌ای می‌بینیم شروع به جمع‌آوری «تپله» می‌کنیم. تپله مجموعه‌ای از سفالینه‌هاست که شامل تکه سفال‌هایی از ماقبل تاریخ و نوسنگی تا دوران میانه و اسلامی می‌شود. فاصله‌ی میان این سفالینه‌ها ۱۰ هزار سال از تاریخ بشر را دربرمی‌گیرد. از همین تپله‌ها و سفال‌ها درمی‌یابیم که در دل آن تپه آثار سالمی وجود دارد. بنابراین، سفالینه‌ها معرف تمدن‌های معروف‌اند و در واقع به دست ما باستان‌شناسان کلنگ می‌دهند که وارد زمین شویم و آن را بشکافیم و تمدن‌های گمشده و به زیر خاک رفته را بیابیم و آنها را بررسی کنیم.

در کتاب «سفال و سفالگری در ایران» چه هدفی را دنبال می‌کنید؟

○ می‌خواهم تحول سفال و سفالگری را نشان بدهم و آن را از ۱۰ هزار سال پیش به این سو بنمایم. در کتابم بعضی سفال‌های «هرسین» را که حاصل کاوش‌های یک هیأت کانادایی به سرپرستی آقای اسمیت است، نشان داده‌ام. نمونه‌ای از سفال‌های لرستان در «تپه گوران» را عرضه کرده‌ام. از سفال‌های خوزستان در دوره‌ی نوسنگی سخن گفته‌ام و سپس سفال‌های متحول شده در دوران‌های بعد را نمودارم تا آنکه به سفال در دوره‌ی معاصر رسیده‌ام. بنابراین، تحول سفال را از ۱۰ هزار سال قبل تا امروز نشان داده‌ام. در ایران، هنر سفالگری یکی از انتزاعی‌ترین هنرهاست. مثلاً در حدود ۶۰۰۰ سال قبل در چشمه علی نزدیک تهران، در جایی که این سراب از زیرزمین بیرون

در این مورد اظهار می‌دارد: تاق‌گرا بین سرپل‌ذهاب و اسلام‌آباد غرب واقع است و همزمان با کاوش و بازسازی معبد تاریخی کنگاور به حفاری و احیای آن هم پرداختیم. در تاق بستان شکست، شکاف و ترک‌های عمیق سنگ در بدنه‌ی تاق بزرگ مجموعه حجاری‌های این یادمان معتبر روزگار ساسانی را تهدید می‌کرد. علت آن وجود منفذها و ترک‌های درون کوه و رخنه‌ی برف و باران و جریان آب در درزهای پنهان و راهیابی و انباشت در پای کوه که محل حجاری‌ها و نگاره‌هاست، بود که با شروع فصل سرما و فعل و انفعال و انجماد آب در بدنه‌ی سنگ آهک از درون و برون سبب شکاف خوردن و تجزیه‌ی سنگ‌ها می‌شد. کوشش‌هایی به عمل آمد که به لایروبی خاک‌های انباشته شده از درز و شکاف‌های کوه، از محل خط‌الراس به پایین تا فراز تاق‌ها، انجامید و بیشتر حفره‌ها و ترک‌ها و خلل و فرج‌ها با بتن پر شد و تا اندازه‌ای جلوی نفوذ آب را گرفت.

وضع سنگ‌نگاره‌ی بیستون از این هم وخیم‌تر به نظر می‌رسید. اثر مذکور را از نزدیک بررسی کردیم. مشکل این اثر با ارزش و بی‌نظیر، هم جنس سنگ آهکی کوه و هم وجود ترک‌ها و شکاف‌های درون کوهی و هم جریان آب برف و باران در هنگام زمستان بود که سبب انجماد و تجزیه و ایجاد شکاف و شکست و فرسایش این کتاب تاریخ می‌شد. البته این اشکال همچنان به قوت خود باقی است. در آنجا نیز همچون تاق بستان رخنه‌ی آب و جریانش از دل کوه، آب‌شوره‌هایی بر دیواره‌ی قاب شده در سنگ کوه به وجود آورده که نبشته‌ها را بر آن کنده‌اند. در همان مسیر سنگ آهک تجزیه شده و چاله‌های سیاه و عمیقی بر جای نهاده است. پس از بررسی‌های لازم، گزارش‌هایی به سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ارائه کردیم. پس از طرح موضوع در شورای فنی سازمان، مرحومان مهندس کریم پیرنیا و مهندس محسن فروغی به منطقه سفر کردند و از نزدیک ضایعات را مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که با حفر کانال‌های فرعی می‌توان جریان آب را مسدود یا منحرف کرد و در نتیجه کتیبه‌ی بیستون را از تلاشی رهایی داد.

پس از انقلاب اسلامی حفاریات دره‌شهر ایلام را به قول خود زیر موشک عراقی‌ها تا سال ۱۳۶۴ انجام داد. در سال ۱۳۶۴ به حفاری تپه‌های کهریزک پرداخت که گزارش آن همراه با نتایج کاوش‌های تپه‌های قیطره آمده است. کامبخش فرد حدود ۵۰ مقاله تخصصی در نشریات مختلف نظیر: بررسی‌های تاریخی، باستان‌شناسی و هنر ایران، هنر و مردم، باستان‌شناسی و تاریخ و... به چاپ رسانده است. کتاب‌های زیر نیز از اوست:

- سفالگری ایران در سده‌های پنجم و ششم هجری، فارسی و انگلیسی،

خاک، آب، آتش

گفت‌وگو با سیف‌الله کامبخش فرد

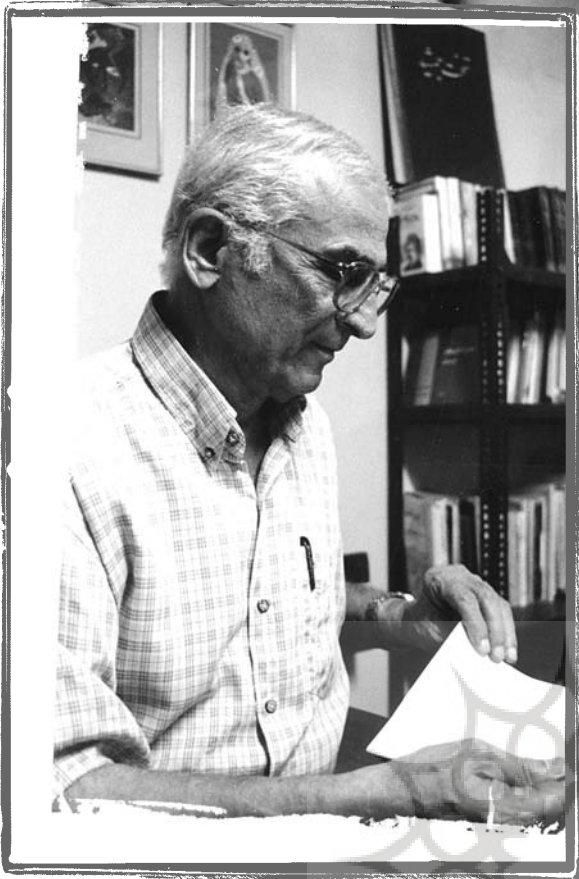
○ امیر کاوس بالازاده



را برمی‌رسد و می‌نماید که این ماده از بدو پیدایی چه مرحله‌ای را از سر گذرانده است. در فاصله‌ی سال‌های ۴۴ تا ۴۶ وی هدایت هیات‌بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی آذربایجان شرقی را برعهده گرفت و حفریات گور خمره‌های گرمی مغان را انجام داد. حاصل آن مقاله‌ای است که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسید. در زمستان سال ۱۳۴۵ به عنوان معاون و کاوشگر ارشد هیات‌علمی باستان‌شناسی، حفریات «هفت تپه» را در خوزستان به انجام رساند که منجر به پیدایی کتیبه‌ی سنگی و مقبره‌ی «تپتی آهار» - پادشاه ایلام در دوره‌ی میانه - شد. این گور طاق هلالی دارد. می‌گوید: واژه‌ی ایلام نخستین بار در سفر پیدایش به نظر می‌رسد و شخصی به این نام معرفی می‌شود و البته ایلامیان سرزمین خود را «هل‌تمتی» می‌خواندند. حقیقت این است که وی در دو دهه‌ی اخیر ایلام‌شناسی جایگاهی درخور یافته و پیش از آن زیاد شناخته نبوده است. در سال‌های ۴۷ و ۴۸ بررسی، پژوهش و کاوش‌های باستان‌شناسی تپه‌های قیطره‌ی تهران را انجام داد که حاصل آن انتشار کتابی با عنوان «تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس باستان‌شناسی» است. در تابستان سال ۱۳۴۷ مسئولیت طرح کاوش‌های باستان‌شناسی معبد «آناهیتای کنگاور» را عهده‌دار شد که تا سال ۱۳۵۶ به درازا انجامید. وی در فاصله‌ی سال‌های ۵۲ تا ۵۷ مدیر و مجری پروژه‌ی بازسازی و احیای تاق گرا، تاق بستان، و سنگ‌نگاره‌ی عظیم بیستون بوده است.

«سفال» از جمله هنرهای ماندگار انسان از دوره‌های نوسنگی و ماقبل تاریخ است که تا امروز هم ادامه یافته است. سفالینه‌های باستانی اکنون به صورت زائده و زباله از ویرانه‌های مدفون یا گورهای جامعه‌های کهن به دست می‌آید. گفتنی است که هیچ‌یک از مصنوعات و ساخته‌های فکر و اندیشه انسان از نظر ارزانی و فراوانی مواد اولیه در طبیعت به پای این ماده نمی‌رسد و نیز هیچ ماده‌ی مصنوع دیگری همچون سفال در طبیعت وجود ندارد که طی هزاران سال در زیر خاک بی‌تلاشی و فساد باقی بماند.

سفال و مانده‌های گل‌پخته‌ی جوامع باستانی عملاً از قرن نوزدهم به پیدایی و کشف آمد، ولی علم و آگاهی و تشخیص قدمت و زمان ساخت و تولید فعال و به تبع آن شناخت مراکز تولیدکننده در قرن گذشته به مباحث علمی باستان‌شناسی وارد شد. به هر حال سفال، تمدن‌های مدفون گذشته را می‌نماید و یکی از انتزاعی‌ترین هنرهای بشری به‌شمار می‌رود. این مطالب را «سیف‌الله کامبخش فرد» پژوهشگر و باستان‌شناس و نویسنده‌ی کتاب «سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر» که توسط «انتشارات ققنوس» به چاپ رسیده است، در گفت‌وگو با «هنر ایران» عنوان کرد. این اثر سفال و سفالگری در فلات مرکزی ایران



سفالگران گذشته پیامهایشان را روی سفالینه‌هایشان ارائه می‌کردند و در حقیقت سفال بوم نقاشی آنها به شمار می‌رفت

ناقص با ضایعات فراوان بود. با این حال، به تدریج و با همین وضع سفالینه‌ها را به نقش‌های هندسی ساده آراستند و در بیشتر مواقع پوسته‌ی آن را با دوغاب غلیظی از رس اندود کردند. در دوره‌های بعد، سفالگران رفته رفته با افزایش تجربه موفق به تکمیل کوره‌ها شدند و اتاق پخت سفال را از چال آتش جدا ساختند و با لگدکوب کردن و مشت زدن و ورز دادن گل، تمام حباب‌های هوا را از چانه‌ی آن خارج و شکل‌پذیری‌اش را افزون‌تر کردند. پس از شکل دادن و خشک شدن، سفال را بتانه‌کاری کرده و با دوغاب رقیقی از رس رویش را به پوشش نازکی (اسلیپ) اندودند. به علاوه، سطوح مختلف سفالینه‌ها را به نقش‌ها و خطوط هندسی آراستند و به تدریج این نقش‌ها را با تصاویر جانوری و گیاهی شکل دادند و به این طریق کارشان را تحول بخشیدند. گذشت زمان و اندوختن تجربه، کوره‌ی سفالگری را کامل‌تر کرد و به صورت دو طبقه درآمد. چال آتش و مخزن سوخت در جهت باد موافق قرار گرفت و سکوی مشبک و جایگاه سفالینه‌ها به صورت سقفی بر بالای چاله‌ی آتش تعبیه شد. گفتنی اینکه در ابتدای هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، سفالینه‌های نخودی رنگ منقوش جای سفال اخراپی نقش‌دار را می‌گیرد.

با آغاز دوران شهرنشینی و پیدایی و ظهور خط، بین‌النهرین به عصر تاریخی آمد و تکوین سفال بر اثر فرهنگ‌های جنوب غربی و ماورای آن وارد مراحل جدیدی شد. سفالینه‌هایی با لبه‌ی وارپخته تقریباً بیشتر میدان‌های باستانی فلات ایران از جمله کرمان، سیستان، دشت قزوین، سیلک کاشان، کنگاور و فارس را فراگرفت. نفوذ و گسترش سفال ایلامی در میدان‌های باستانی فلات ایران مانند شهر سوخته‌ی سیستان، تل ملیان فارس و تپه یحیی کرمان از اواخر هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد ادامه می‌یابد. این سفالینه‌ها توسط مردمی مهاجر و دامدار به عرصه‌ی فرهنگ و هنر در شمال شرقی و شمال غربی و مرکز فلات ایران پای نهاد. از این سفال‌ها در املش، مارلیک، تپه‌های قیطره و کهربزک آثاری به دست آمده است. تپه‌های قیطره بزرگترین و معتبرترین میدان استقرار سفال خاکستری رنگ دوره آهن بوده

است. دامدارانی که این استقرار را بنیاد نهادند، از طریق شمال شرقی و غربی به فلات مرکزی ایران راه یافتند و علاوه بر قیطره، کوهپایه‌ها و کنار چشمه‌ها را برای زندگی و دامداری برگزیدند. آنها گورهای مردگان‌شان را کمی دورتر از محل استقرار، در زمین و خاک بکر به صورت گودالی بیضی شکل حفر می‌کردند و سفالینه‌ها و ابزارآلات برنزی و زندگی را در کنار آنها به خاک می‌سپردند. سفال خاکستری - سیاه علاوه بر گورستان قیطره، از گورستان‌های دیگری از جمله دروس، پل رومی، تپه‌های عباس‌آباد، سلطنت‌آباد سابق، گلندوک، بوستان پنجم پاسداران، خوجیر تهران پارس، قلپک و تپه‌ی معمورین تهران نیز کشف شده است. سفالگران دامدار یا دامداران سفالگر در این حرکت و مهاجرت دسته‌جمعی، تپه‌های کهربزک را که معدن شناخته شده و معتبری از خاک رس آبرفتی و انباشته از عهد چهارم زمین‌شناسی به شمار می‌رفت، برگزیدند و کنار مسیل سرتخت کهربزک بساط زندگی را گسترده و به حرفه‌ی کوزه‌گری پرداختند. در پی ورود دارندگان سفال‌های خاکستری - سیاه در دوره‌ی آهن I، دامدارانی که کشاورز و جنگجو و نیز مهاجران ثروتمندی به حساب می‌آمدند و گورهای چهارچینه‌ی سنگی داشتند، در عصر آهن II وارد کوهپایه‌های شمال و شمال غربی فلات مرکزی ایران شدند. این تازه‌واردان نیز دارای سفالینه‌های خاکستری مشابه و یکسان با سفالینه‌های قیطره و نیز سفال‌های پرتکلف دیگری به رنگ قرمز و قهوه‌ای روشن و درخشان از اندام پیکره‌های متنوع و مهاجم حیوانات و انسان بودند. اینان ظروف طلا و مفرغ فراوانی به همراه داشتند که مشحون از صحنه‌های اساطیری بود، این ثروت عظیم را به نسبت درجه و اعتبار افراد و مردگان کنار اجساد آنان در گورها می‌نهادند. این میراث و گنجینه‌های گرانبه‌تر از گورستان‌های مارلیک، املش، کلاردشت، اردبیل، مشکین شهر و حسنلو به دست آمده‌اند. از ۱۰۰۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد

اولین تکه سفال در
 لایه‌ی نئولیتیک
 غار بیستون
 گزارش شده و در
 غار هوتو و کمریند
 بهشهر نیز نخستین
 تکه سفال‌های
 سست و پوک به
 دست آمده که
 پدیده‌ای از اولین
 سفال‌ها بوده است



جبهه غربی و شمالی معبد ناهید - کنگاور (۱۳۴۹)

به دست آمد. برای مثال، در لایه‌های نخستین دهلران، بزمرد در علی‌کش، چغابنوت، چغاسفید، آسیاب و گنج‌دره در کرمانشاه جوامع روستایی کوچکی بودند که دوران‌های بدون سفال را سپری کردند و در مراحل بعدی استقرار به سفال دست یافتند. این دوره‌ی دستیابی و فترت در نقاط مختلف شاید حدود دو هزار سال به درازا انجامیده است. پدیده‌ی سفال وقتی که پس از تشکیل روستاهای اولیه به مرحله‌ی تولید اندک و انفرادی رسید، کالایی خشن و آمیخته با کاه و پوک بود که در آفتاب یا اجاق خانه نیم‌پخته شده بود. اولین تکه سفال در لایه‌ی نئولیتیک غار بیستون گزارش شده و در غار هوتو و کمریند بهشهر نیز نخستین تکه سفال‌های سست و پوک به دست آمده که پدیده‌ای از اولین سفال‌ها بوده است. سفال این روستاها و پناهگاه‌های اولیه‌ی دوره‌ی نوسنگی که مقدمات تولید این پیش سفالینه‌ها را فراهم آورده‌اند، به موجب آزمایش‌ها و ارقام رادیو کربن حدوداً ۸۶۵۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد قدمت داشته‌اند. مشخصه‌ی خمیره‌ی این نوع سفال‌ها خشونت فراوان، نرمی و پوکی فوق‌العاده و اختلاط بسیار با کاه، خرده علف و شن است. در ادامه‌ی دوره‌ی نوسنگی روستاهای سراب، تپه سنگ چخماق شاهرود و تپه سیلک کاشان، قلعه رستم بختیاری، زاغه دشت قزوین و چشمه‌علی ری به تولید سفال پرداختند. سفال‌های اولیه‌ی این میدان‌ها بدون نقش، خشن و به رنگ خاکستری و قرمز سوخته و آمیخته با کاه و مواد آلی بوده و در اجاق خانه نیم‌پخته شده‌اند. پس از آن در روستاهای دوره‌ی نوسنگی جدیدتر سفالگران به تدریج اجاق پخت را بیرون از خانه و در فضای باز ساختند. اساس این اندیشه دستیابی به تولید انبوه سفال بوده است. در این راستا ابتدا اجاق‌های بزرگ‌تری به صورت چهارگوشه و در فضای باز ساختند و سفالینه‌ها را در این اجاق‌ها که به ابعاد ۲۰×۲۰ سانتی‌متر و کف آنها همسطح زمین اطراف بود، چیدند و روی آن را با گرده‌های تاپاله به صورت هلالی پوشاندند و آتش زدند. در نتیجه‌ی تماس مستقیم زبانه‌های آتش سرکش با سفال‌ها، بعضی گداخته و برخی نیم‌پخته و کربونیزه باقی ماندند. سرانجام این تولیدات انبوه محصولاتی

می‌آید، بهترین، زیباترین و انتزاعی‌ترین اشکال سفال عرضه شده است. آدم‌ها را روی این سفال‌ها به انواع و اقسام اشکال نقاشی کرده‌اند. یا اینکه سفال‌های نزدیک اسماعیل‌آباد اشتهارد مزین به گل و گیاه و انواع و اقسام تصاویر هوش‌ربایند. بز کوهی را که از حیوانات بومی منطقه بوده است، تصویر می‌کردند و می‌پنداشتند که با نقاشی کردن این جانوران به راحتی می‌توانند آنها را شکار کنند و در نتیجه، به گمان خود حیوانات را با کشیدن تصویرشان شکار می‌کردند. این مصیبت‌نامه‌ی انسان شش هفت هزار سال قبل است که چون آب به سادگی به دست نمی‌آمد و زمین زراعی به سختی پیدا می‌شد و همین‌طور باید بر دشمنان اطرافش غلبه می‌کرد تا بتواند زندگی‌اش را بگذراند، پیام‌هایش را روی سفال می‌آورد. درحقیقت سفال بوم نقاشی او به شمار می‌رفت. همان‌طور که نقاشی‌های امروز برای خود پیام دارد، سفالگران گذشته نیز پیام‌هایشان را روی سفال‌هایشان ارائه می‌کردند. در اینجا باید تأکید کنم که نوع این پیام با پیام‌های نقوش غارها متفاوت است. در گذشته، بسی دور از این زمان (سفالگری)، نقش‌های روی دیوارهای غارها پیام‌های دیگری عرضه می‌داشته‌اند و برداشت‌های دیگری از طبیعت می‌نموده‌اند که با اندیشه‌ی سفالگران فاصله دارد و آنها به ۱۵ هزار سال قبل و اینها به ۷ هزار سال پیش متعلق بوده‌اند و باید به این فاصله‌ی زمانی و تفاوت برداشت‌ها توجه کرد.

از مراحل مختلف تحول سفال و سفالگری در ایران بگویید؟

○ سفال‌های ابتدایی در جوامع روستایی کوچک شکل گرفت. هسته‌های اولیه‌ی این جوامع با گذر از دوران جمع‌آوری غذا به اهلی کردن جانوران و نباتات پرداختند و به تدریج اولین روستاهای کوچک را پدید آوردند و به کار کشاورزی و تولید غذا دست زدند. اندک اندک نیاز به ذخیره‌سازی تولیدات کشاورزی احساس شد. این امر به وسایل و ابزارهای نیاز داشت و سفال یکی از این ابزارها محسوب می‌شد. بدیهی است که این جوامع از ابتدا به سفال دست نیافتند، بلکه دوره‌هایی را سپری کردند و پشت سر گذاشتند. هسته‌های اولیه‌ی روستاها گسترش یافتند تا بالاخره در یکی از آنها سفال خشن ابتدایی

Culture and memory in medieval Islam
Edited by Farhad Daftary Josef W. Meri

کتاب حاضر به بررسی طیف گسترده‌ای از مطالب و موضوعات مرتبط در زمینه‌های تاریخی، حقوقی، ادبی و معماری پرداخته است. در این بین عده‌ای از محققان برجسته و ممتازی چون عباس امانت، ایرنه بیرمن، ایتون دانیل، جورج مک‌دیسی، روی متده، اندرو نیومن، پول ای. واکر به بررسی فهرست‌ها و نقشه‌ها و نحوه‌ی انتقال دانش و سنن از دوره وسطی به زمان‌های اخیر، و همچنین افراد، سلسله‌ها و تمدن‌ها در آثار ادبی و تاریخی و در زمینه‌ی سکه‌شناسی و... پرداخته‌اند.

فرهاد دفتاری، رییس بخش تحقیقات و انتشارات دانشگاهی در انستیتو مطالعات اسماعیلیه است و همچنین نویسنده‌ی آثاری در مورد اسماعیلیه مانند: تاریخ و نظریه‌های آنها، افسانه‌های حشاشین، سنت‌های روشنفکری در اسلام که توسط انتشارات I. B. Tauris منتشر شده‌اند.

جوزف وی. مری متخصص در زمینه خاورمیانه و تاریخ اسلامی است و در زمینه‌ی مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه کالیفرنیا برکلی فعالیت دارد.

اثر حاضر در ۲۰۰ صفحه، با جلد گالینگور و قیمت ۲۵ پوند توسط انتشارات آی بی تاريس و همکاری انستیتو مطالعات اسلامی در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شده است.

ISBN: 1 86064 859 2

Arabic Ismaili Manuscripts
Edited and introduced by Delia Cortese

این اثر مجموعه‌ای است ارزشمند و با شکوه از نسخه‌های خطی اسلامی که به سنت‌های تاریخی، فلسفی، مذهبی فاطمیان و ادبیات و هنر اسماعیلیه هندی و یمنی پس از فاطمیان پرداخته است که با ۱۷۹ مدخل از مجموعه‌ی زاهد علی به جنبه‌های نظری و عقیدتی و ادبی این نسخه‌های خطی و ویژگی‌های آغازین در زبان عربی برای هر مدخل پرداخته می‌شود. همچنین این کتاب دارای ضمائم ارزشمندی به لاتین و عربی است. این مجموعه کاملاً مصور است و با مقدمه‌ی جامع و مسوط کورتس بر غنای هرچه بیشتر آن افزوده شده و به عنوان ابزاری ارزشمند جهت دانشجویان و محققان علاقه‌مند به این متون کلیدی بسیار مفید خواهد بود.

دلیا کورتس در حوزه مطالعات اسلامی در دانشگاه sex Middle که در ارتباط با انستیتو مطالعات اسلامی است فعالیت دارد. وی دکترای خود را در زمینه مطالعات اسلامی از مؤسسه شرقی - آفریقایی لندن گرفته و متعاقب آن جهت فوق دکترا در دانشگاه شرقی ناپل تحصیل کرده است.

کتاب حاضر در ۲۰۰ ص، با قیمت ۳۹/۵۰ پوند و با ۱۱ تصویر رنگی و ۱۰ تصویر سیاه و سفید با جلد گالینگور در سپتامبر ۲۰۰۲ توسط انتشارات I. B. Tauris و همکاری انستیتو مطالعات اسماعیلیه منتشر شده است.

ISBN: 1 86064 860 6



بازسازی تاق‌گرا (۱۳۵۳)

مهاجران دیگری که اسب، ارابه، اسلحه‌های سهمگین آهنی و نیزه‌های دوشاخه داشتند، با میراث مشترک و مجموعه‌ای از سفال‌های خاکستری - سیاه و نخودی درخشان و منقوش به نقش اسب، گاو، بزهای بالدار و سایر حیوانات اسطوره‌ای، خورشید و انسان‌های شکارچی و مهاجم از طریق شمال غربی و حواشی دریاچه‌ی ارومیه وارد فلات مرکزی شدند. آثار این تازه‌واردان در باباجان کرمانشاه، گودین تپه‌ی کنگاور، نوشیجان ملایر و نیز بر بالاترین نقطه‌ی تپه‌ی جنوبی سیلک برجای مانده است. اینان برای خود قلعه‌وارگی بنا کردند و در بیرون آن با سنگ‌ها و سفال‌های پخته گورستانی را با پوشش خرپشته و سقف دوشیبه بنا نهادند و به همراه مردگان‌شان اشیای بسیاری به خاک سپردند.

در خوزستان همزمان با این تحولات سفال‌سازی ایلام از زمان تشکیل سلسله‌ها بدون وقفه ادامه یافت. آثار بسیاری از سفالینه‌های لعابدار دوره‌ی طلایی ایلام میانی (۱۲۵۰ ق. م) که در شوش، هفت‌تپه و چغازنبیل یافت شده، می‌نماید که تا انقراض ایلام نو در سده‌ی هفتم قبل از میلاد ظروف لعابدار و رنگین ساخته می‌شده و این هنر در دوران ماد و ماننایی در زیویه به کمال خود رسیده است. سفال‌ها و کاشی‌های چند رنگ فوق‌العاده‌ای از این دوره هم در زیویه و هم در بوکان بدست آمده است. سفال در دوران تاریخی ایران با آغاز سلسله‌ی هخامنشی و توجه به هنرهای تألیفی و شاهانه راه رکود بیمود و ظروف زرین و سیمین جای آن را گرفت. با این حال در این دوره سفال ساده و لعابدار و نیز کاشی هفت‌رنگ با روش‌های یاد شده در ماد و ماننایی و ایلام نو تولید شد. از دوران اشکانی آثار اندکی برجای مانده است که عمده‌ترین آن گور خمره‌های گرمی مغان است. این سفالینه‌ها اغلب در ترکیب و اندام حیوانات اهلی ساخته شده و عموماً از ابریق‌هایی به اشکال مختلف شکل گرفته‌اند. در دوره‌ی ساسانی سفال لعابدار سبز رواج یافت، ضمن آنکه برخی از سفال‌های معمولی به صورت قالب خورده، نقش افزوده و نقش درهم‌کننده نیز متداول بود. سفالگری ساسانی در دوره‌ی اسلامی بازسازی شد و از لعاب و کاشی و سفال و ظروف فلزی زرین و سیمین هنر سفالگری فاخر و مجلل دوره‌ی اسلامی به دنیا آمد. سفالینه‌های لعابدار و فاخر دوره‌ی سلجوقی برآیند هنر تلفیقی همین دوران است.